

نقدی بر هرمنوتیک

نقدی بر «هرمنوتیک کتاب و سنت؛ مجتهد شبستری»

«فلسفه دین» و «خدا در فلسفه»

علی صفایی حائری (عین، صاد)

فهرست

مقدمه ناشر ۹

نقدی بر فلسفه دین

۱. برهان وجودی ۱۹
۲. برهان علت و معلول ۲۱
۳. برهان وجوب و امکان (جهان‌شناختی) ۲۴
۴. برهان نظم: اتقان صنع ۲۷
۵. برهان سودمندی (اخلاقی) ۳۱
۶. برهان اجماع عام ۳۴
۷. برهان تجربه دینی ۳۶
۸. برهان درجات کمال ۳۹
۹. برهان معجزات ۴۰
۱۰. برهان‌های مردم‌پسند ۴۰

نقدی بر هرمنوتیک کتاب و سنت

- پیشگفتار ۵۳
۱. فرآیند فهم متن ۵۶
- فهمیدن متن به تفسیر آن موقوف است ۵۷
- مقدمات و مقومات تفسیر متون ۵۹
- یک. پیش فهم یا پیش دانسته مفسر و دور هرمنوتیکی ۵۹
- دو. علایق و انتظارات هدایت کننده مفسر ۶۱
- سه. پرسش از تاریخ ۶۳
- چهار. کشف مرکز معنای متن ۶۴
- پنج. ترجمه معنای متن در افق تاریخی مفسر ۶۵
- مشترکات انسانی، زمینه ساز فهم عصرهای متفاوت است ۶۶
۲. وحی خداوند و دانش انسان ۷۰
۳. پیش فهم های فقیهان، جاودانگی احکام دین و تشخیص موضوعات ۷۶
۴. پیش فهم های فقیهان و ثبات یا تغییر موضوعات احکام دین ۷۹
۵. با علم فقه نمی توان نظام تأسیس کرد، امامی توان به برخی پرسش ها پاسخ داد ۸۵
۶. آرا و فتوای سیاسی فقیهان ۹۳
۷. پیش فهم ها و علایق و انتظارات فقیهان و مسائل جامعه و حکومت ۹۷
۸. انتقاد پذیری و مشارکت همگان در شکل گیری نظریات و فتوای دینی، ضرورت آزادی بحث و انتقاد درباره دین ۱۰۳
۹. پیش فهم های عمده مفسران وحی اسلامی از اهل حدیث و اشاعره تا معتزله و عرفا و متأخران، چون علامه طباطبایی ۱۰۷
- پیش فهم های عارفان ۱۱۱
۱۰. معناهای متفاوت «سخن و حیانی» نزد متألهان مسلمان ۱۱۲
۱۱. پیش فهم های فقیهان و فتوای اقتصادی آنان ۱۱۴

۱۲. بازسازی تفکر دینی چیست؟ ۱۱۹
۱۳. تحول مفاهیم مذهبی در بستر زمان ۱۲۱
۱۴. متون دینی و جهان بینی نقد تاریخی ۱۲۲
۱۵. نقد تفکر کلامی سنتی در اسلام معاصر ۱۲۴
۱۶. چرا باید اندیشه دینی را نقد کرد؟ ۱۲۶
۱۷. وحی و آزادی عقلی انسان ۱۲۹
- مرحله اول فهم عقل از خودش ۱۳۰
- مرحله دوم فهم عقل از خودش ۱۳۱
- مرحله سوم فهم عقل از خودش ۱۳۲
۱۸. اجتهاد به مثابه جمع میان اصول ابدی و تغییرات اجتماعی ۱۳۴
- پیوست ۱: کلام جدید - قلمرو شریعت - تئوری تفسیر متون دینی ۱۳۸
- پیوست ۲: نقد مقاله تفکر کلامی سنتی در اسلام معاصر و پاسخ آن ۱۴۵

مقدمه‌ی ناشر

کلام دو صورت فعال و منفعل دارد. در صورت فعال، در وجود آدمی، انگیزه و در جامعه‌ی آدمی روابط و در ذهن اجتماعی انسان عدل و احسان و در دل او قرب و لقاء و رضوان را مطرح می‌نماید. در این مرحله از ترکیب و تقدیر انسان و از تبدیل بدی‌ها به وسیله‌ی شناخت و محبت و تمرین و نیت حرف می‌زند. در این مرحله از حق و هدف‌داری و از اجل و مرحله‌ای بودن و از نظام و قانونمندی و از جمال و هماهنگی جهان حرف می‌زند و از ارتباط انسان و جهان و نظام و انسان و جمال و انسان و حق و انسان و اجل، آدمی را به حرکت، به حذر، به عشق، به قرب و به اغتنام فرصت‌ها دعوت می‌کند.

در وجهه‌ی منفعل همان‌طور که گفته‌اند، طرح عقیده، دفاع و اثبات مطرح می‌شود. و همین است که کلام سنتی امروز با کلام جدید و کلام جدیدتر و شبهات و مشکلات جدیدتر به تطابق رسیده است و شبهات قدریه و مرجئه و نصارا و یهود و فلاسفه و زنادقه و بهایی‌ها و کمونیست‌ها، با مباحث جدید بریدگی جهان بینی و ایدئولوژی و قبض و بسط و سکولاریزم و مذهب حداقل

و... گره خورده تا فردا چه زاید سحر. در هر حال کلامی که با رسول آمده، تفاوتش با کلامی که در بیان مسلمین رشد کرده، این گونه است.

نوشته‌ای که پیش روی شماست نقدی است از مرحوم علی صفایی حائری^(ه) در خصوص برخی از شبهات کلام جدید و نوشته‌های دین پژوهی معاصر. اولین مقاله، متن دست نویس استاد در نقد و بررسی بخش هفتم کتاب «آشنایی با فلسفه تحلیلی» به نام «نقدی بر براهین اثبات وجود خدا» و نیز نقد کتاب «خدا در فلسفه»ی آقای «بهاء الدین خرمشاهی» است که آن هم ترجمه‌ی مقالات مربوط به برهان‌های اثبات وجود باری، نوشته و ویراسته‌ی «پل ادواردز» از «دایرة المعارف فلسفه» است.

دومین مقاله، نقد و بررسی کتاب «هرمنوتیک کتاب و سنت» نوشته‌ی «محمد مجتهد شبستری» است. آنچه از این کتاب نقل شده داخل [...] قرار گرفته تا مطلب نقد شده مشخص باشد.

در این دو نوشته مرحوم استاد به صورتی خلاصه و دقیق، شبهات را نقد و بررسی کرده‌اند اما برای کسانی که با این مباحث آشنایی کامل ندارند رجوع به اصل کتاب ضروری است.

با تشکر از تمامی عزیزانی که در این مجموعه یاری رسان ما بودند.

ناشر

تقدی بر

فلسفہ ی دین

(جان ہاسپرز)

بسمه تعالی

شبهات، شهوات، بدعت‌ها دام‌های سهمگین راه هستند و در هر مرحله از زندگانی، انسان را به بند می‌کشند و نگه می‌دارند. من از شهوات و بدعت‌ها می‌گذرم و مختصری به شبهات می‌پردازم.

ما در برابر شبهات، با فلسفه و با عرفان ایستادیم. در حالی که شبهات از ادبیات و از تخیل کمک می‌گرفت و از ناخودآگاه و غیر مستقیم می‌تاخت. و نشانه‌های این هجوم را در نوشته‌های طالبوف و اندیشه‌های «آخوندوف» (ملا فتحعلی آخوندزاده) و نوشته‌های «فریدون آدمیت» می‌توانید ببینید، همان طور که در داستان‌های «صادق هدایت» و «چوبک» و در ملکوت «بهرام صادقی» و...

در این ادبیات گسترده، وسعت شبهات، دین، خدا، نبوت، امامت، معاد و مقدسات و رجال و احکام و تاریخ و اساطیر را در بر می‌گیرد.

امروز هم به طور طبیعی هجوم شبهات گسترده‌تر شده؛ چون به اندازه‌ی اهمیت و ارزش و رشد و گسترش حرکت اسلامی، ناچار شیاطین آتش بیشتری تهیه می‌کنند و جبهه‌های جدیدتری می‌گشایند. همانطور که می‌دانید در نوشته‌ی «فلسفه‌ی دین»، ترجمه‌ی فصل هفتم از کتاب بزرگ «جان هاسپرز»^۱ سعی شده که براهین خدا شناسی در سه شکل «هستی‌شناسی» و «جهان‌شناسی» و «غایت‌شناسی» و از راه‌های «اخلاق» و «اجماع» و «معجزه» و «تمثیل» به نقد کشیده شود که در قسمت برهان نظم - غایت‌شناسی - با گستردگی بیشتری بحث شده و شدیداً تأثیر گذار گردیده است.

این نقد و انتقاد از براهین اثبات خدا در ترجمه‌ی «بهاء الدین خرمشاهی» از مقالات دانشمندان متعدد، به طور منسجم‌تر و قوی‌تر در «خدا در فلسفه»^۲ عرضه شده است.

این هر دو کار در راستای «کلام جدید مسیحی» و در حوزه‌ی «فلسفه‌ی غرب» است، وگرنه در نوشته‌های مارکسیسم، این هجوم الحادی سازمان یافته‌تر و فعال‌تر شکل گرفته و به ادبیات کودک و بزرگسال با شاخه‌های متعدد آن راه یافته است.

۱ - نام کتاب جان هاسپرز «آشنایی با فلسفه‌ی تحلیلی» است که بخش هفتم آن «نقدی بر براهین اثبات وجود خدا» است.

۲ - «خدا در فلسفه»، ترجمه‌ی بهاء الدین خرمشاهی، مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰

به هر حال در نوشته‌ی آقای خرمشاهی - خدا در فلسفه - هم، این برهان‌ها نقد شده است:

۱ - برهان وجودی - هستی‌شناسی - ص ۴۳ خدا در فلسفه و ص ۲۳ فلسفه‌ی دین.

۲ - برهان علیت - جهان‌شناختی - ص ۶۷ خدا در فلسفه و ص ۳۲ فلسفه‌ی دین.

۳ - برهان وجوب و امکان - جهان‌شناختی - ص ۴۳ خدا در فلسفه و ص ۴۹ فلسفه‌ی دین.

۴ - برهان اتقان صنع - هدف‌شناختی - ص ۷۹ خدا در فلسفه و ص ۹۵ فلسفه‌ی دین.

۵ - برهان اخلاقی - ص ۹۷ خدا در فلسفه و ص ۷۷ فلسفه‌ی دین.

۶ - تجربه‌ی دینی - ص ۱۱۳ خدا در فلسفه و ص ۶۷ فلسفه‌ی دین.

۷ - اجماع عام - ص ۱۳۳ خدا در فلسفه.

۸ - درجات کمال - ص ۱۶۵ خدا در فلسفه.

۹ - برهان‌های مردم‌پسند - ص ۱۷۴ خدا در فلسفه.

اما در نوشته‌ی فلسفه‌ی دینِ هاسپرز از برهان علیّ به طور مستقل در ص ۳۲ و از برهان معجزات در ص ۸۳ گفتگو شده و نقادی گردیده است. این‌ها برهان‌های ده گانه‌ای هستند که در این کتاب طعم انتقاد را

چشیده‌اند.

نقد و انتقاد این براهین و نقطه ضعف‌های کلام و فلسفه‌ی غرب در جواب‌گویی، به معنای صحت و سلامت این انتقادات و به معنای ناتوانی فلسفه‌های دیگر نیست؛ چون در فلسفه‌ی اسلامی و مسلمین این‌ها به گونه‌ای دیگر مطرح می‌شود که این آسیب‌پذیری را ندارد. و در برابر شبهات هم بیناتی دارد که جایی برای شبهه باقی نمی‌گذارد.

البته نوع بینش دینی و فلسفه‌ی اسلامی با فلسفه‌ی مسلمین متفاوت است، همانطور که فلسفه‌ی مسلمین خود شاخه‌های «اشراق» و «مشاء» و «حکمت متعالیه» را دارد که با «عرفان» پیوند محکمی یافته است. و در واقع میان کلام و فلسفه و عرفان و منابع اسلامی وحدتی را طرح ریخته است. پیش از بررسی این انتقادات من این دو کتاب را مرور می‌کنم و یک جمع‌بندی می‌دهم:

من کتاب «فلسفه‌ی دین» را این گونه تحلیل می‌کنم که از «آخر» آغاز کرده و در نتیجه نمی‌تواند گره‌ها را به راحتی باز کند و نمی‌تواند بافته‌ی مشکلات را بشکافد.

«آخر»؛ یعنی این واقعیت رنج‌ها و دردها که گاهی طبیعی است؛ سیل و طوفان... و گاهی انسانی است؛ غم غربت و احساس تنگنا و... و گاهی

اجتماعی است؛ جنگ و قتل... و گاهی خود ساخته و برخاسته از جهل و غفلت و تجاوز.

با این آغاز، حکمت و شعور زیر سؤال می‌رود و حتی «ضرورت معاد به خاطر عدالت»، اثبات بی‌عدالتی و نفی حکمت را با خود دارد.

اما اگر از وضعیت و تقدیر و ترکیب انسان آغاز کنیم و از اندازه‌ی استعدادهای انسان، استمرار و ادامه‌ی او را بسنجیم و از ترکیب خاص این استعدادها به کار و نقش انسان پی ببریم و کار او را لذت و رفاه و راحتی قلمداد نکنیم و حرکت و ضرورت مستمر را از این استعداد بی‌قرار استکشاف نماییم و هماهنگی میان این ساخت انسان و ساخت و بافت جهان را با رنج‌هایش بدست بیاوریم، بلی، اگر «این گونه» آغاز کنیم دیگر مشکل درد و رنج و ظلم و ستم و تفاوت و تبعیض، راه را بر ما نمی‌گیرد و مسأله‌ی خیر و شر و قدرت متعال و یا عدالت و آزادی، ما را متحیر نمی‌سازد.

همین طور اگر ما به توصیف آغاز و مبداء جهان روی بیاوریم و تحلیل کنیم که مبداء نمی‌تواند ترکیب داشته باشد؛ چون مرکب، مبداء نیست، اجزاء و روابط و ضوابط بر آن مقدم هستند و اگر ترکیب نفی شد، نیاز نفی می‌شود و در نتیجه روابط تولیدی نفی می‌شود؛ که: «الله احد، الله صمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد».

اگر این گونه از یگانگی و بی‌نیازی و بی‌مانندی و نامحدودی آغاز کنیم و به

احاطه و حضور خدا و غنا و رحمت او برسیم، می‌توانیم جهان را با چهار خصوصیت؛ نظام و جمال و حق و اجل تصور کنیم و مشکلی نداشته باشیم.

از این رو مباحث مختلف این کتاب را با حاشیه‌هایی همراه کردم که اگر به صورت پاورقی با متن همراه باشد از هجوم شبهات آن جلوگیری می‌نماید. و در آغاز هر تحلیل به نوع نگرش اسلامی اشاره کردم تا خواننده با احاطه‌ی بیشتر تأمل نماید. و در آخر هم از دو روش دیگر گفتگو کردم تا ضعف‌های این بزرگان آشکارتر شود.

همینطور کتاب خدا در فلسفه‌ی آقای خرمشاهی را در قسمت‌هایی که بیشتر از فلسفه‌ی دین جان هاسپرز داشته تعلیقه زدم تا تفاوت نگرش‌ها مشخص شود.

و در اول کتاب هم این مقدمه را آوردم که آقای خرمشاهی معتقد است همانطور که بر وجود جهان خارج هنوز برهانی نیامده و از قضایای جدلی الطرفین است، ولی با این حال ما جهان خارج را باور داریم، همینطور مسأله‌ی خدا که برهان‌هایش به نقد کشیده شده می‌تواند در باور و اعتقاد ما حضور داشته باشد. پس اگر بر وجود خدا برهان عقلی سالم و مناسبی نبود نباید در هراس باشیم.

اما آقای خرمشاهی نمی‌گوید: اگر به دلیل دردها و رنج‌ها و به دلیل تفاوت و

تبعیض و به دلیل ظلم و ستم، اگر با این دلایل به نفی خدا برخاستند، چه باید بکنیم. اگر آقای خرمشاهی بتواند این دلایل‌های برخاسته را بنشانند و اگر بتوانند با نفرت و عصیان برخاسته علیه مذهب و مذهبی‌ها و خدای واحد قهار، برخورد مناسبی داشته باشند، در واقع تمامی برهان‌ها را نجات داده‌اند و به این لجاجت که لباس علم و فلسفه هم پوشیده خاتمه بخشیده‌اند.

من با این دو مقدمه وارد این کتاب‌ها می‌شوم و برهان‌های موجود را با تقریری اسلامی و با جوابی دیگر از این شبهات می‌آورم. شاید بدین گونه زمینه‌ی تأمل و تحقیق فراهم آید و این هجوم وحشی کنترل شود.

۱- برهان وجودی

این برهان از «آنسلم» قدّیس این گونه تقریر می‌شود. خدا موجودی است که «چیزی بزرگتر از آن نمی‌توان تصور کرد». و این تقریر، با بیان آگوستین؛ «آنکه برتر از او هیچ نیست»، تفاوت دارد؛ زیرا تقریر «آنسلم» نه تنها «وجود» که حتی «تصور» برتر از خدا را نفی می‌کند.

«اکوئیناس»، برهاس وجودی آنسلم را به خاطر تقویت برهان وجوب و امکان رد کرده و در نتیجه این برهان مدت‌ها مغفول ماند تا این که بار دیگر «دکارت»، در قرن هفدهم به آن روی آورد، با این توضیح که وجود، در این مفهوم لحاظ شده و نمی‌توان بدون تناقض آن را نفی کرد، همانطور که



مجبورم که نکته‌ی فراموش شده را یادآوری کنم. بررسی يك متن به صورت يك خواب و رؤیا و مستقل از قصد و دلالت متکلم يك بحث است و بررسی و پی‌گیری يك متن با تداعی‌ها و خاطره‌های متفاوت هر خواننده يك بحث است و بررسی يك متن با توجه به مقاصد و اهداف متکلم يك بحث است. آن‌جا که به دلالت و قصد روی می‌آوریم، نمی‌توانیم تحمیل کنیم و آن‌جا که رمز و اشاره‌ای در میان است، نمی‌توانیم آسمان ریسمان کنیم و آن‌جا که قرائن و مقاصد راهنماست و تفسیر به استناد ممکن است، نمی‌توانیم گرفتار تفسیر به رأی باشیم.